



گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگران

سالگرد پیروزمندانه اول ماه مه ۱۸۸۶ فرارسیده است. روزی که اراده واحد و همبستگی کارگران در آمریکا بر علیه نظام سرمایه داری اعمال گردید. در این روز تاریخی کارگران با صفوف به هم پیوسته، قدرت و عزم راسخ طبقاتی خود را در براندازی نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم تجلی بخشیدند.

در کشور ما ایران، اکنون بیش از یک ربع قرن است که رژیم دیکتاتوری - مذهبی حکومت می کند. این رژیم هیچگونه آزادی و حقوق دمکراتیکی را در چارچوب قوانین و کنوانسیون های بین المللی به رسمیت نمی شناسد. به کارگران اجازه تشکیل هیچگونه سازمان مستقلی را نمی دهد. برپایی هرگونه تجمع و تظاهرات از سوی کارگران با هجوم پاسداران حکومت سرکوب می شود و کارگران را از داشتن حق اعتصاب محروم ساخته اند.

با وجودی که سالیان متمادی است روز اول ماه مه به عنوان یک روز تاریخی از جانب اکثر کشورهای دنیا برسمیت شناخته شده و این روز را با هدف بزرگداشت اول ماه مه تعطیل اعلام می کنند، رژیم حاکم بر ایران برگزاری هر نوع تظاهرات و راهپیمایی مستقل کارگران را در این روز ممنوع نموده است. این رژیم برای حفظ ظاهر و فریب افکار عمومی، همه ساله مراسم فرمایشی یازدهم اردیبهشت را با حضور سردمداران رژیم و انجمن های کارگری وابسته به خود برگزار می کند تا از این طریق از برگزاری مراسم باشکوه کارگران ایران جلوگیری کند.

طی سالهای استقرار حکومت اسلامی، بلندگوهای تبلیغاتی رژیم همصدا با سایر بلندگوهای امپریالیستی در سطح دنیا، بطور دائم بر علیه طبقه کارگر و کمونیسم تبلیغ می کنند. طی سالهای گذشته رژیم با استفاده از یک سری عناصر خائن به سوسیالیسم دست به انتشار انواع کتب و نشریات ضدکارگری و ضد کمونیستی زده است. کارگزاران جمهوری اسلامی تلاش دارند اینگونه لاطائلات را به نام تجربه تاریخی دهه های گذشته جنبش کارگری و کمونیستی ایران قلمداد کنند. گردانندگان دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی پایپای دول امپریالیستی بر علیه بنیان گزاران و وفاداران به سوسیالیسم تبلیغات براه می اندازند تا از این طریق آموزش های سترگ مارکسیسم - لنینیسم را لوٹ کنند. در تکمیل این سیاست رهبران جمهوری اسلامی می کوشند فداکاری های پرافتخار سازمانهای انقلابی و نقش آنها در سرنگونی رژیم شاهنشاهی گذشته را بی اعتبار سازند. در یک کلام، رژیم جمهوری اسلامی ایران منکر هرگونه اندیشه و سازمان کمونیستی در ایران است و جنبش کارگری را به رسمیت نمی شناسند.

علیرغم تمام این بدکرداری ها اما: این رژیم به عنوان یکی از مرتجع ترین حکومت هایی که تاکنون تاریخ نظیر آن را بخود ندیده است، هنوز از سوی جوامع بین المللی و کشورهای طرفدار «حقوق بشر» به رسمیت شناخته می شود. اتحادیه اروپا طی سالهای گذشته در رقابت آشکار اقتصادی با آمریکا همواره جانب ایران را گرفته است. اروپائیان به عنوان یکی از مدافعان این رژیم در محافل بین المللی عمل کرده و در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی رژیم ایران را مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده است. پاره ای از کشورهای اروپایی نظیر فرانسه پا را از این حد فراتر گذاشته در عرصه اطلاعاتی نیز به رژیم جمهوری اسلامی کمک می کنند.

با وجودی که «منادیان حقوق بشر» همه ساله رژیم جمهوری اسلامی ایران را به عنوان نقض کننده حقوق بشر در سازمان ملل محکوم و به دنیا معرفی می کنند، اما در عمل و به بهانه سیاست «گفت و شنود انتقادآمین» این رژیم را در انظار جهانیان تطهیر می کنند. شکی نیست تا هنگامی که منافع اقتصادی امپریالیسم اروپا در ایران تأمین شود، این نیرنگ آنها نیز ادامه خواهد داشت.

امپریالیسم آمریکا که تأمین منافع اقتصادی اش را در گرو قشون کشی های قرون وسطایی بازیافته است هم اکنون در کشور باستانی عراق در گرداب مهلکی گرفتار آمده است. این درماندگی امپریالیسم آمریکا موجب شده است تا در خفا بیش از پیش با رژیم جمهوری اسلامی ایران به زدوبند بپردازد. هرچند این رابطه از بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی وجود داشته است. طی یک سال گذشته در غیبت حضور فعال شیعیان در عرصه نبرد با آمریکا، ضربات بسیار مهلکی را از سوی نیروی مقاومت عراق به ارتش آمریکا وارد شده است. هم اکنون روند تحولات و قیام مسلحانه مردم عراق به روالی است که چشم انداز وحدت نسبی میان سنی و شیعه را در این کشور نوید می دهد. این وضعیت راهی برای آمریکا باقی نمی گذارد جز اینکه با سرافکنندگی خاک عراق را ترک گوید. اگر تاچند ماه پیش آمریکا منکر هرگونه نقش سازمان ملل در عراق بود، هم اکنون از سازمان ملل و سایر کشورها برای ایفاء نقش در عراق یاری می طلبد. در ماههای اخیر شدت ضربات وارده به نیروهای متفقین در عراق موجب شده است تا متحدین آمریکا نظیر اسپانیا، دومینیکن و هندوراس نیروهای خود را از عراق خارج کنند. سایر کشورهای متحد آمریکا نیز یکی پس از دیگری به فکر خروج نیروهای نظامی خود از عراق افتاده اند. عراق هم اکنون به کانونی تبدیل شده است که تمام نیروهای انقلابی و مترقی را وادار ساخته

در مقابل کشورگشایی آمریکا موضع صریحی اتخاذ کنند. این کانون سرانجام بر سیاست استعمارگرایانه آمریکا و انگلیس غلبه خواهد کرد.

لشکرکشی های آمریکا و انگلیس که ظاهرا به بهانه استقرار دموکراسی در عراق صورت گرفت اکنون به ظهور یک رژیم دیکتاتوری و خودکامه دیگر تحت نظارت آمریکا انجامیده است. پل برمر حاکم آمریکائی عراق مهره ای است که از سوی پنتاگون مجری اعمال بدترین و خشن ترین شیوه های ستم بر علیه مردم عراق است. امروزه هیچ انسان آگاهی منکر این واقعیت نمی شود که سببیت و کشتار کنونی آمریکائیان در عراق به خاطر غارت و چپاول نفت این کشور است. از اینرو مردم به ستوه آمده عراق: از فلوجه قهرمان تا بغداد و از کوفه تا کربلا و نجف و سایر شهرها، بصورت یکپارچه سلاح بر کف گرفته و بر علیه امپریالیسم آمریکا و متحدانشان بپا خاسته اند.

امپریالیسم آمریکا اکنون سیاست دادن امتیازاتی، از جمله وعده حاکمیت شیعیان بر عراق را به جمهوری اسلامی ایران پیش گرفته است. آمریکا در نظر دارد با کمک حکومت ایران از این طریق آتش کینه و نفرت مردم عراق را خاموش کند تا به تدریج و با رسوایی کمتری عراق را ترک کند. این طرفند هرچند طی یک سال گذشته با هماهنگی حکومت اسلامی ایران بکار گرفته شد، اما اکنون بخشی از شیعیان برخلاف میل جمهوری اسلامی با سنی ها همراه شده اند. از اینرو در آینده کمکهای مخفیانه و سازش های پنهانی رژیم ایران با آمریکا چندان مؤثر نخواهد بود. بی جهت نیست که رژیم جمهوری اسلامی نیز برای عقب نماندن از قافله «مبارزه ضد امپریالیستی» در عراق، اخیرا موضع گیری های آشکارتری را در دفاع از اماکن مذهبی این کشور نظیر نجف و کربلا در دستور کار قرار داده است. از هنگامی که جمهوری اسلامی به دفاع آشکار از جنبش شیعیان عراق برخاسته است فشار آمریکا برای ارجاع پرونده اتمی ایران به شورای امنیت نیز قوت گرفته است.

در این میان حاکمان ایران نیز با استفاده از موقعیت بدست آمده و سازش با آمریکا جناح رقیب (اصلاح طلب های طرفدار غرب) را از قدرت حکومتی ساقط کردند. علیرغم اظهارات پراکنده آمریکا و اروپائیان مبنی بر غیرعادلانه بودن انتخابات مجلس هفتم، انتخابات اخیر ایران با دخالت مستقیم شورای نگهبان و رهبری خامنه ای، کلیه عناصر «اصلاح طلب» را کنار زد. در این بازی سیاسی، آمریکا نه فقط مهره های طرفدار خود را در ایران خانه نشین ساخت، بلکه موجب گسترش نفوذ و دخالت های نابخردانه جمهوری اسلامی در عراق را نیز فراهم نمود.

کارگران مبارز

تجربه جنبش بین المللی کارگران ثابت می کند، دفاع مصممانه از اندیشه و وحدت مارکسیست - لنینیست ها، توأم با ممانعت از دسته بندیها و ایستادگی در برابر محافل ضدکارگری می تواند راه را برای تشکیل سازمان مستقل کارگران هموار سازد. کار سازمان یافته توأم با ترویج عقاید انقلابی، لازمه حل موفقیته آمیز وظایفی است که در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران پیش گرفته ایم. جریاناتی که به انحاء مختلف و به نام مارکسیسم و کمونیسم منکر نقش طبقه کارگر در سال های گذشته می شوند، آنها که مطالبات کارگران را تا حد گرفتن امتیازهای صنفی تنزل می دهند، آنان که ضرورت تاریخی و نقش طبقه کارگر در انقلاب دموکراتیک را نادیده می گیرند، مانعی هستند که تحت تاثیر آشفتگی های سیاسی کنونی در خدمت به بورژوازی گام بر می دارند. این عناصر بدون اینکه به ظاهر بر علیه سوسیالیسم سخن بگویند، روح انقلابی و تمام فداکاری های گذشته انقلابیون ایران را منکر می شوند تا از این طریق کارگران را از سوسیالیسم دور سازند.

در شرایط کنونی ما باید بتوانیم لبه تیز مبارزه طبقه کارگر و توده های مردم را بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع حاکم بر ایران سازماندهی کنیم. جنبش انقلابی طبقه کارگر در طول تاریخ ثابت کرده است مدافع وفادار منافع ملی و حقوق دموکراتیک خلق ها می باشد. در شرایط کنونی واقعیت های بیشماری نشان می دهد که هرچه اتحاد نیروهای مختلف قوی تر شود، تضمین بیشتری برای پیروزی در مبارزه مشترک فراهم خواهد شد. بدون شک ارزیابی صحیح از شرایط کنونی و واقف گشتن به وظایف خطیر پیش رو، الهام بخش طرحها و برنامه های آتی خواهد بود.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

نهم اردیبهشت ۱۳۸۳ - ۲۸ آوریل ۲۰۰۴

A.C.P

Postfach 120206

60115 Frankfurt am Main

Germany

Fax: 00-49-221-170 490221

E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de

Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de>